

گزیده
متون تفسیری فارسی

دکتر محمد مهدی رکنی یزدی
دکتر عبدالله رادمرد

تهران

۱۳۸۴

رکنی یزدی، محمدمهدی، ۱۳۰۹.

گزیده متون تفسیری فارسی / محمدمهدی رکنی یزدی، عبدالله رادمرد. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت): مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

چهل و یک، ۳۱۸ ص. — (سمت: ۹۸۹. زبان و ادبیات فارسی: ۴۷)

ISBN 964-530-034-7

بها: ۱۱۵۰۰ ریال.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

A Selection of Persian Commentaries.

عنوان به انگلیسی:

کتابنامه: ص. ۳۱۱-۳۱۸.

۱. تفاسیر — مجموعه ها. ۲. تفاسیر — تاریخ و نقد. ۳. نشر فارسی — مجموعه ها.

الف. رادمرد، عبدالله. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

ج. آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی. د عنوان.

۲۹۷/۱۷۲

BP ۹۲/۹۵/۸

۸۴۴۳۸۶۴۵

کتابخانه ملی ایران



گزیده متون تفسیری فارسی

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی، دکتر عبدالله رادمرد

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت)، شماره انتشار ۹۸۹، زبان و ادبیات فارسی شماره ۴۷.

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت ۲۱۵۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشران محفوظ است (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

مشهد، فلکه حرم مطهر، دوربرگردان شیخ طبری، ص. پ ۹۱۷۳۵.۳۶۶، تلفن ۱۰-۲۲۳۲۵۰۱.

www.islamic-ri.org

info@islamic-ri.org ۲۲۳۰۰۰۵

مراکز پخش: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، رویه روی پمپ گاز، کدپستی ۱۴۶۳۶.

www.samlac.ir

info@samlac.ir ۴۴۲۴۶۲۵۰۲

پیشگفتار ناشران

بی تردید یکی از بنیادی‌ترین اهداف کانونها و مراکز تحقیقاتی، تقویت توان علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است که استعدادهای برگزیده را در خود گرد آورده‌اند. پرداختن بنیادهای علمی به این قشر تخصصی جامعه و تولید فراورده‌های پژوهشی برای استفاده دانشجویان، سازماندترین تلاش این مؤسسات است. دانشگاهها نیز برای جبران کمبودهای موجود علمی در مراکز گوناگون، همواره باید نو یافته‌های خود را در اختیار این کانونها قرار دهند، تا با فراهم آمدن زمینه‌های این پیوند پایای دوسویه، دهش و ستانشی پربار در پی آید و از این رهگذر، جنبه‌های نظری و دستاوردهای کاربردی علوم نمایان شود.

یکی از مصادیق برکت‌خیز این دادوستد پژوهشگرانه، در حوزه علوم انسانی، همکاری بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) است که اینک سیزدهمین کار مشترک خود را با نشر کتاب گزیده متون تفسیری فارسی عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «متون تفسیری فارسی» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

درآمد.....	سیزده
مقدمه.....	شانزده
زبان فارسی و پیوندهای ملی.....	شانزده
ارزش ادبی متون تفسیری فارسی.....	هفده
قصه یا سرگذشت پیامبران در قرآن.....	نوزده
خلاصه مزایای قصه ها.....	بیست و سه
صفحه تیره تفسیرها.....	بیست و چهار
شیوه تدوین و تجزیر.....	سی و یک
یادداشتها.....	سی و سه

۱

ترجمه تفسیر طبری.....	۱
ترجمه الكتاب بالفارسیه.....	۲
حدیث زکریا و مولود مریم.....	۳
هجرت کردن مریم و رفتن به شام.....	۷
قصه صالح علیه السلام با گروه ثمود.....	۱۰

۲

تاج التراجیم فی تفسیر القرآن للأعاجیم.....	۱۵
دیباچه مفسر.....	۱۶

هشت □ متون تفسیری فارسی

۱۷	قصه یونس پیغمبر علیه السلام
۱۹	خفتگان بیدار
۲۷	داستان ابرهه و عبدالمطلب
۳۱	زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش از بعثت

۳

۳۶	تفسیر سورآبادی یا تفسیر التفاسیر
۳۸	نواختگان ابراهیم
۳۸	موسی و نور طور
۴۱	در راه هجرت
۴۳	وام نیکو
۴۳	ذوالقرنین
۴۶	قصه بولس
۴۸	حدیث ایثار مسلمانان
۵۰	قصه عزیر

۴

۵۱	بخشی از تفسیری کهن
۵۲	بخش ترجمه
۵۳	بخش تفسیر
۵۵	زنده کردن مردگان
۵۷	پاداش انفاق

۵

۵۹	تفسیر قرآن پاک
۶۰	ادب گفتار
۶۰	پیش شرطهای گرویدن

غایب شدن عیسی علیه السلام	۶۳
--	----

۶

تفسیر کمبریج	۶۵
ایثار	۶۶
عالی ترین جلوه انسان دوستی	۶۶
سوختگان در اخدود	۶۸
درباره مصیبت	۶۹

۷

تفسیری بر عَشْرَی از قرآن مجید	۷۱
قصه حکم کردن سلیمان علیه السلام	۷۲
پند دادن داود علیه السلام مر سلیمان را علیه السلام	۷۳
وارثان زمین	۷۵

۸

سوره مائده از قرآن کوفی کهن	۷۹
ویژگیهای زبانی قرآن کوفی	۸۰
سوره مائده از قرآن کوفی	۸۴

۹

لطائف التفسیر	۸۷
تفسیر سوره فاتحه	۸۸

۱۰

کشف الأسرار و عده الأبرار	۹۸
بار امانت	۱۰۰
پیمان دوستی	۱۰۳

۱۰۴	امید به رحمت
۱۰۵	شیرین سخنی باشکوه
۱۰۷	راستکاری و نیکوکاری
۱۱۱	قصه تزویج فاطمه علیها السلام
۱۱۲	ولی مؤمنان
۱۱۴	اصحاب رُس

۱۱

۱۱۷	روض الجنان و روح الجنان
۱۱۸	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۲۰	راسخان در علم
۱۲۲	روز الست و نخستین پیمان
۱۲۵	مباهله با نصاری نجران
۱۲۹	غزوه احزاب
۱۳۵	وصف شاعران در قرآن
۱۳۸	دوستی با کافران!
۱۴۰	دردمند شکبیا

۱۲

۱۴۷	بصائر یمینی
۱۴۸	مدحت آفریدگار
۱۵۰	پالایش بلا
۱۵۱	آراستگی دنیا
۱۵۳	نصرت الهی
۱۵۴	انفاق شده ها
۱۵۴	جزای کافران

۱۳

۱۵۵	دقائق التأویل و حقائق التنزیل
۱۵۶	سلام نشان ایمان
۱۵۷	وفای به عهد
۱۵۸	گواهان بر وصیت
۱۵۹	داستان بلغم
۱۶۰	بدترین جنبندگان
۱۶۱	اجابت خدا و رسول
۱۶۳	مزیت ایمان بر سقای حاجیان
۱۶۴	اقسام هجرت

۱۴

۱۶۶	کتاب الستین الجامع للطائف البساتین
۱۶۷	درآمدی بر احسن القصص
۱۶۷	سبب تألیف
۱۶۹	نیکوترین قصه
۱۷۲	جوانمردی و انواع آن

۱۵

۱۷۹	حدائق الحقائق
۱۷۹	یوسف و برادران
۱۸۲	ذکر بیرون آمدن یوسف از زندان
۱۸۸	اما بسط الکلام فی هذه المقام
۱۸۸	گسترش سخن در عبرتهای این قصه

۱۶

۱۹۱	جواهر التفسیر
۱۹۲	فاتحه کتاب
۱۹۳	گفتار در باره بسم الله
۱۹۷	در معنی انعام

۱۷

۲۰۰	خلاصة المنهج
۲۰۱	انگیزه تلخیص
۲۰۲	بهره گیری از طیبات
۲۰۳	داوری حضرت سلیمان
۲۰۵	صدق نبوت
۲۰۶	دیدار حضرت موسی و فرعون

۱۸

۲۱۰	تفسیر شریف لاهیجی
۲۱۱	حمد بی غایت و درود نامعدود
۲۱۲	آیه الکُرسی
۲۱۵	نور آسمانها و زمین
۲۱۷	در جستجوی هدهد
۲۱۹	داستان خرماستان
(۲۲۱-۲۹۰)	یادداشتها و توضیحات
۲۹۱	نمایه اشعار فارسی
۲۹۳	نمایه اشعار عربی
۲۹۵	نمایه راهنمای توضیحات
۳۱۱	فهرست منابع

درآمد

در خلوت اندیشه در این که هستم و می‌توانم بیندیشم و در بعضی امور شک کنم، شک ندارم، و نیز در این که هستی‌ام از خودم نیست تردید ندارم؛ پس ناچار آفریدگار و هستی‌بخشی دارم که مانند من و امثال من وجودش عاریتی و ناپایدار نیست، که اگر چنین باشد او نیز فناپذیر خواهد بود، و فناپذیر به حکم عقل نمی‌تواند مبدأ و آغازگر خلقت باشد.

من آفریدگار خودم نیستم. پدر و مادرم نیز جز وسیله‌ای برای زایش و پرورش من نیستند. از دیگر سو من و همانندانم از عدم برخاسته‌ایم؛ زیرا هیچ و پوچ - یعنی عدم - که نمی‌تواند موجودی دارای اندیشه و اراده و باهوش و حواس بیافریند.

آیا در این قضایای ساده و روشن تردید داریم؟

با وجود این قضایای بدیهی عقلی و نتیجه آشکار آن، چرا بعضی در آفریننده دانا و توانا که عالم و آدم نشانی از وجود اوست شک می‌کنند؟ آیا منکران دلیلی خردپذیر بر انکار آفریننده دارند؟ یا تنها ندیدن و نیافتن او را بهانه انکار قرار می‌دهند؟ یا چند شبهه‌ای که جوابش را نیافته‌اند، مایه انکارشان شده؟ واضح و بدیهی است که نباید به علت ندانسته‌ها، دانسته‌های قطعی و عقلی را رد کنیم.

شبهه که باطل حق‌نماست، نباید پایه باورهای یقینی ما را لرزان کند و در بیابان حیرت و پوچ‌گرایی تنها مان گذارد. آیا شک در مهمترین اصل اعتقادی و پوچ‌گرایی، عاقلانه‌تر و علمی‌تر از باور به خدای حکیم و علیم و عقل‌آفرین و مهربان است؟ جا دارد تأمل کنیم و از وجدان خویش پاسخ بی‌تعصب شنویم.

نمایندگان و راهنمایان اینک سؤالی دیگر برایم پیش آمده: از این آفریدگار حکیم نشانی جز این آفریده‌های خاموش گرداگردمان داریم؟ آری! نشان او تنها نقش

در و دیوار وجود نیست، گرچه آنها هم خاموش گویا - به زبان حال - هستند، اما برای بهره‌وری بیشتر از این آثار وجودی، او نمایندگانی همانند خود ما فرستاده: انسانهایی زنده و برگزیده از بین ما، تا خردهای دفن شده ما را از زیر خاک غفلت به در آورند، سرشت خفته ما را بیدار و فکر آشفته ما را هشیار گردانند. این واقعیتی است که تاریخ ملل از گذشته‌های دور نقل می‌کند و کتابهای آسمانی که آورده‌اند، موجود است و ما را به خدا می‌خواند.

بلی! آفریدگار ما از راه مهر و احسان انسانهایی پاک نهاد، فداکار، نیک خصال و با کمال را به عنوان «رسول» و «پیام آور» به سوی بشر گسیل داشت، تا او را از مبدأ و معاد با خبر کنند، و راه راست زندگی و رستگاری این جهانی را نشان دهند، و پیام او را که در کتابهای آسمانی است به ما برسانند. تورات و انجیل و قرآن از این گونه کتابهایند، با این امتیاز مهم که قرآن سخن خداست، و لفظ و معنی‌اش از عالم بالاست، و دست ناخورده و حرفی به جای حرفی از آن ننشسته به ما رسیده. چگونه؟

سخنی زیبا و دلربا تاریخ می‌گوید: این سخن به زبان قومی بود که جز کالای زبان متاع فرهنگی و هنری دیگری نداشتند. قومی بودند جاهل و بت‌پرست، اما شیفته زبان خود و فریفته شعر و گفتار موزون. این شیفتگی و دل بستگی به سخن والا و شیوا، انگیزه‌ای شد برای مجذوب شدن به کلام الله که زیبایی لفظی و عمق معنوی را با هم داشت. کلامی بود راهنما و روشنگر، دلنشین و آهنگین، روان و شیرین. سخن سنجان و نقّادان عرب دریافتند و باور کردند که این کلام فرقی ذاتی با دیگر سخنها دارد، و حله‌ای است آسمانی نه انسانی، که با وجود تحدی و هم‌آورد طلبی از آوردن مانند‌اش در مانده‌اند. پس در برابرش دست ادب پیش بردند و آن را گرفتند؛ و کوششی بی‌نظیر برای حفظ و نگهداشت آن از تحریف به جای آوردند. مکرّر خواندند و از بر کردند و «حافظ» نام گرفتند. گروهی هم بر سنگ و چوب و پارچه نوشتند و نگاه داشتند و «کاتب» قرآن شدند؛ زیرا برایشان سرودی روح‌بخش بود و آیین‌نامه زندگی، جان‌مایه‌ای الهی داشت و جاذبه‌ای وصف‌نکردنی. در نتیجه این گرایش و گروه قرآن سرآغاز دانش و پیشرفت مسلمانان در ابعاد مختلف زندگی شد، و دانشهای گونه‌گون ادبی، دینی، عقلی و اجتماعی را به وجود

آورد، که شرح آنها در تاریخ علوم و تمدن اسلامی آمده است.
اما هدف از این تألیف فراهم آوردن گزیده‌هایی است از تفاسیر فارسی بر جا
مانده از سده چهارم تا یازدهم که فایده ادبی در بر داشته باشد و پیشینه زبان ما را هم
ارائه دهد، و در ضمن سخن معرفت‌آموز خداوند را به گوش رساند.

www.ketab.ir

مقدمه

زبان فارسی و پیوندهای ملی

مطالعه تاریخ فرهنگ اقوام و ملت‌ها نشان می‌دهد زبان و آثار ادبی و تاریخی، کتابهای مذهبی و حتی قصه‌ها و مراسم سور و سوگ مردم، هویت ملی و پشتوانه حیات جمعی آنهاست، و محکم‌ترین پیوند افراد یک سرزمین محسوب می‌شود، و موجب همبستگی آنان در برابر هجوم بیگانگان می‌باشد. ترویجی که هر کشور از زبان خود می‌کند، و سلطه‌ای که از همین راه امروزه زبان انگلیسی یافته، و فرهنگ و آداب و فرآورده‌های صنعتی خود را ترویج و بلکه تحمیل می‌کند، دلیل روشنی بر این واقعیت است.

تأمل و دقت در روابط سیاسی و اجتماعی قرن اخیر، آشکارا می‌رساند که استعمار نوین از راه تسلط فرهنگی و ابزارهای نوساخت الکتریکی و الکترونیکی - رادیو، تلویزیون، سینما و رایانه - انجام می‌گیرد، نه با لشکرکشی برای تسخیر کشورها. به دیگر سخن با کمک وسایل ارتباط جمعی و افسون تبلیغات به «تهاجم فرهنگی» می‌پردازند و عقیده و احساسات مردم را به دست می‌آورند و سپس فرهنگ و زبان خود را که وسیلهٔ القاء طرز فکر و سلیقه است رواج می‌دهند، و مردم دیگر کشورها را هواخواه و مطیع و مقلد خود می‌گردانند، به صورتی که آنان ناخواسته و ندانسته از درون تهی و بی‌فرهنگ می‌شوند، آن‌گاه به آسانی سلطهٔ سیاسی و اقتصادی خود را تحمیل می‌کنند، و ما اکنون در چنین زمانی و در برابر چنان تهاجمی قرار داریم. راه بُرون شد از این مشکل و معارضه به حکم عقل و تجربه، «مقابلهٔ به مثل» است که سخن خداوند نیز ما را به آن راهنمایی می‌کند:

«پس هر کس که ستم بر شما کرد، به همان گونه که بر شما ستم می‌کند، بر او ستم روا

دارید، و از خداوند پروا کنید و بدانید که او با پرهیزگاران است» (بقره / ۱۹۴).

بنابر این وظیفه عقلای قوم و روشنفکران واقع بین و علمای زمان شناس است که با پاسداری از ادبیاتی که پایه و درونمایه اسلامی - قرآنی دارد، هویت ایرانی و فرهنگ اسلامی خود را نگاهبان باشند و از استحاله در فرهنگ غربی و غرب زدگی حفظ کنند.

سبب تألیف در پی احساس چنین وظیفه‌ای، «سازمان سمت» که هدفش تدوین کتابهای مناسب برای دانشگاه‌هاست، تألیف «برگزیده متون تفسیری فارسی» را از این بنده خواست. سابقه‌ای که در تهیه چنین گزیده‌هایی داشتم، و قول همکاری آقای دکتر رادمرد - استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد - انگیزه‌ای برای اقدام به این کار دشوار شد. دشواری از این نظر بود که گزینش قطعاتی مناسب حال زمانه و متناسب روحیه خواننده، از آثاری که در فضای فرهنگی و اعتقادی دیگری تحریر شده - و در آن زمان خدمت به زبان فارسی و فارسی زبانان بوده - برای عصری که افقهای جدید به روی دانشجویان گشوده شده و فضای فرهنگی و باورها دیگرگون شده، کار سهل دشواریابی است، خاصه اگر برخی ملاحظات آموزشی - یعنی نداشتن بدآموزی و داشتن ارزش ادبی برگزیده‌ها - هم در نظر باشد.

به این جهات آنچه فراهم آمده، نه آن است که خواسته‌ایم، بل آن است که بسیار جُسته و کم یافته‌ایم؛ زیرا بسیار دشوار است از متون تفسیری کهن - آن هم با عقاید و مذاهب گوناگون مفسران - متنهایی به دست آورد که هم از جنبه زبانی و ادبی ارزشمند باشد، و هم درونمایه‌ای خواندنی و دور از اسرائیلیات و گزافه‌گویی داشته باشد. تسلی بخش ما این است که می‌دانیم امور نسبی است، و هر اثری اگر در مقایسه با آثار مشابهش آموزنده و سودمند باشد قابل قبول است. امیدواریم آیندگان خطاها و کاستیها را بر طرف کنند و اثر را به کمال مطلوب نزدیک گردانند، و البته کمال و جمال مطلق از آن آفریدگار متعال است و بس.

ارزش ادبی متون تفسیری فارسی

قرآن مجید برای همه مسلمانان، سخن خداست که بر زبان پیام‌آورش به عنوان معجزه ماندگار جاری شده، اما برای غیرمسلمین دست‌کم اثر ادبی برجسته و پرمایه‌ای است، و تحدی قرآن هم در مرحله نخست نسبت به شیوه بیان و فصاحت الفاظ و بلاغت معانی آن

بود. بنابر این نباید شگفت زده شویم اگر گفته شود ترجمه و تفسیر چنین کتاب بی مانند هم از نظر ادبی و فواید زبانی در پایگاهی والا و درجه‌ای بالا قرار دارد، و از منتهایی است که مطالعه و تحقیق درباره آن برای پارسی‌گویان به ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی شایسته و بایسته است، مخصوصاً که مترجمان قرآن و مفسران آن دانشمندانی بودند که در ادبیات عربی و فارسی توانا و بارع، و در نویسندگی متعهد و مقید بودند و می‌کوشیدند ترجمانی صادق از کلام وحی و گزارشگری امین از کتاب خدا باشند، و تراویده قلمشان ادیبانه و پرمایه، خواندنی و آموختنی باشد.

بدین گونه پارسی دری این خوشبختی را داشت که در پناه سخن خدا بالید و توانمند شد، و کتابهای بلاغی و صرف و نحو و لغت و تاریخ و مسالک و ممالک (جغرافیا) و نجوم و حکمت و عرفان و دیوانهای دولتی همه رفته رفته به پارسی نوشته شد. در این میان کتابهای تفسیر که به عربی بود نیز به زبان پارسی درآمد و از مزایایی برخوردار شد به این شرح:

۱- می‌دانیم دانشی که پرده از چهره معانی قرآن بر می‌گیرد، و به توضیح لغات و هنرهای بلاغی و شأن نزول آیات و شرح و بسط قصه‌ها و استخراج احکام شرعی و مباحث کلامی و عقلی می‌پردازد تفسیر است. این علم در ماهیت خود انواع بحثهای ادبی (صرف و نحو و لغت و بلاغت) را در بر دارد. بنابر این تفسیرها هم گرانبار از این مباحث است، و لازمه تفسیر عربی یا فارسی در ابتدا پرداختن به موضوعات ادبی است.

۲- در میان بحثهای ادبی، برابری فارسی که مترجمان معادل لغات قرآن نهاده‌اند، و در ترجمه‌ها دیده می‌شود بسیار دقیق و سنجیده و گویاست، و در پرمایه کردن و غنای واژگان زبان ما تأثیر به‌سزایی داشته است.

۳- در سده چهارم و قرنهای بعد که وسایل ارتباط جمعی نبود و حتی آموزش طالبان علم نیز با یک برنامه و کتاب خاص انجام نمی‌گرفت، مفسران در گزارش کلام الهی از لهجه‌های محلی و لغات بومی بهره می‌جستند، به ویژه که تفسیرها برای استفاده عموم بود نه طبقه‌ای خاص، مثلاً منشیان. بدین ترتیب در تفسیرهای پارسی با گویشهای مختلف و لغات اصیل شهر و روستا - که در لهجه‌شناسی کاربرد دارد - آشنا می‌شویم.^۱

۴- استعمال افعال به صورتی غیر از امروز و ویژگیهای دستوری کلمات یا جملات، از اختصاصات متون تفسیری فارسی است که در تدوین دستور تاریخی به کار می‌آید و ما را از سابقه زبان دری آگاه می‌سازد، و مثالهایش را در منتهای برگزیده خواهیم دید.

۵- گوناگونی مباحث اعتقادی در قرآن از صفات الهی و سرگذشت رسولانش و احتیاج با منکران و اثبات وحیانی بودن قرآن، توصیف نعمتهای بهشتی و صحنه‌های عذاب، قصه‌های ناگفته از دعوت انبیا و سرنوشت امتهای درگذشته، تعلیمات حقوقی، اخلاقی، اجتماعی و توجه به روحیات انسان و غیر اینها، طبعاً تنوع موضوعات و گستره‌ای وسیع از تعبیرات و لغات را در بر دارد و تفاسیر را ادیبانه، پُر مایه و رنگارنگ از مفاهیم دانستنی کرده است که تحول سبک نویسندگی فارسی را نیز نشان می‌دهد. نگاهی به عنوانهای برگزیده از هر تفسیر می‌تواند این گونه‌گونی مطالب و تنوع موضوعات را در آنها نشان دهد.

۶- آنچه بر شمردیم صورت ظاهر تفسیرها را ارائه می‌داد، اما لایه زیرین و درونمایه آنها، فواید معنوی و دینی و عرفانی فراوانی دارد که باید خواند و فهمید و در آن تدبّر کرد و معرفت اندوخت. ولی آنچه را می‌توان به عنوان ارزش ادبی نام بُرد - و در برنامه درسی هم مورد نظر بوده - اطلاعاتی است که خواننده درباره فرهنگ عامه و باورهای مردمی و مثلها و لطایفی که کما بیش در تفسیرهای فارسی آمده، به دست می‌آورد و به جو فرهنگی آن زمان پی می‌برد. واضح است که این مطالب برگرفته از قرآن نیست، بلکه هر مفسری بر حسب ذوق و سلیقه و اطلاعاتی که داشته آنها را نقل کرده است و تفسیرش را به لونی خاص - ادبی، کلامی، عقلی یا نقلی - در آورده است، و اسرائیلیات نیز از همین نوع اخیر است، که به توضیح آن خواهیم پرداخت.

قصه یا سرگذشت پیامبران در قرآن*

افسانه یا سرگذشت؟ خورشید اسلام از کانون قرآن کریم طلوع کرد. توحید و معاد، نبوت و اصالت وحی، تعلیمات اخلاقی و اجتماعی اسلام همه از خلال آیات پرتوافکن بود. از میان این آیات، شماری هم اشاره به قصه‌های انبیای سلف داشت. مطالعه آنچه به نام «قصه» در قرآن خوانده می‌شود، این حقیقت را نشان می‌دهد که آنها نه اسطوره^۲ یا افسانه است که ساخته و پرداخته نیروی خیال و غیرواقعی باشد، و نه تاریخ در اصطلاح معمول که

* چون بسیاری از متنهاى برگزیده کتاب از قصه‌های قرآن است که در تفسیرها آمده، مناسب بود بحثی کلی در این باره داشته باشیم.

بیشتر شرح حال شاهان و قدرت نمایی سلطه‌جویان است، بلکه بُرشی است از زندگانی پیامبران و دعوت و دلالت اقوامی گمراه و بدکار، و نبرد با ارباب زر و زور که منافع خود را در خطر می‌دیدند و مانع دعوت فرستادگان الهی می‌شدند. به سخن دیگر، مقطعی است از تاریخ^۳ که برخورد بین حق و باطل، ایمان و کفر، صلاح و فساد را نشان می‌دهد و از گذشته‌های دور - که تنها در علم آفریدگار است - به زمان حاضر آورده شده، و هنرمندانه و نکته‌آموز در سخن خدا بیان شده، و به‌جاست «سرگذشت پیامبران» یا «رویدادی از تاریخ انبیا» دانسته شود.

اگر این سؤال پیش آید که چرا در قرآن از این گونه حوادث به «قصه» تعبیر شده‌گویی: «اصلي اشتقاق كلمة قصص، إتياع الشيء الشيء، یعنی آمدن چیزی پشت چیز دیگر است، و خبر دراز را از این جهت قصص گفتند که قسمتی از آن مربوط به دیگر قسمتهای آن می‌باشد و در نتیجه دراز می‌گردد».^۴ باید توجه داشته باشیم بار معنایی «قصه» در آن زمان و زبان غیر از آن بوده که امروز ما در زبان فارسی می‌فهمیم، و مرادف افسانه و داستان تخیلی می‌شمیریم، چنان‌که از لغت‌شناسان نقل خواهیم کرد.

قصه در قرآن تأثیری که قصه و شرح احوال پیشینیان و تاریخ در روان انسان دارد، سبب شده خدای تعالی این وسیله تربیتی را به کار گیرد، و دعوت و رسالت پیامبرانش را جای جای در کتابش نقل نماید، تا نام نیک و خدماتشان جاودانه شود و در خاطره‌ها بماند و سرانجام کفر و فساد اقوامی چون عاد و ثمود و لوط مایه عبرت گردد، و سنتهای الهی در پیشرفت و ترقی یا انحطاط و نابودی جامعه‌ها ارائه داده شود، و به علل و عواملش توجه گردد.

ویژگی قصه‌ها قرآن مجید در پایان سرگذشت پرحادثه و شگفت حضرت یوسف می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْقَوْمِ يُؤْمِنُونَ» (یوسف / ۱۱۱): به راستی که در بیان داستان ایشان مایه عبرتی برای خردمندان هست. [و این قرآن] سخنی برساخته نیست، بلکه همخوان با کتابی است که پیشاپیش آن است و روشن‌گر همه چیز است و رهنمود و رحمتی برای اهل ایمان است.^۵

آیه مذکور با چند واژه کوتاه خصوصیات قصه‌های قرآن را به اختصار بیان می‌کند. توضیح این واژه‌های کلیدی روشن‌گر مقصود است:

مقدمه □ بیست و یک

الْقَصَصُ وَالْقَصَصُ: از پی فراشدن و برگشتن است.^۶ راغب اصفهانی «قَص» را «تَتَّبِعُ الْأَثَرَ» (بر پی رفتن) معنی می‌کند، و «الْقَصَصُ» را «الْأَخْبَارُ الْمَتَّبِعَةُ» (خبرهای دنبال‌گیری شده) می‌شمرد.^۷ واضح است که سرگذشت پیشینیان و اقوام درگذشته، خبرهایی است از رفتار و گفتار آنان که در پی هم نقل می‌شود، یا رویدادهایی شگرف و صحنه‌هایی هیجان‌انگیز و ساختاری مخصوص که بر روی هم قصه را می‌سازد.^۸ ظاهراً از این جهت شرح سرگذشتها و اخبار گذشتگان را «خبرهای دنبال‌گیری شده» نامیده‌اند تا با «سَمَر» یعنی افسانه که داستان ساختگی است و شبها گفته می‌شود فرق داشته باشد.^۹

گفتنی است که گاه قرآن مجید از اخبار پیشینیان به «نَبَأ» تعبیر کرده و آن به تصریح راغب در المفردات «خبری است که دارای فایده مهمی باشد و از شنیدنش یقین یا ظن قوی پیدا شود»، پس سخنی است راست و درست، و به هر خبری تا این ویژگیها را نداشته باشد نبأ نگویند. و اینک شاهد از قرآن: ﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ...﴾ (یونس / ۷۱): و بر آنان خبر نوح را بخوان، آن‌گاه که به قومش گفت... ﴿تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (قصص / ۳): بخشی از داستان موسی و فرعون را برای اهل ایمان به راستی و درستی بر تو می‌خوانیم.

تکرار قصه‌ها سرگذشتهای انبیا در بسیاری از سوره‌ها تکرار می‌شود به صورتی که با هدف کلی سوره و بافت سخن تناسب دارد، و شخصیت‌های قصه هر بار به صورتی جلوه‌گر می‌شوند و پیامی را می‌رسانند؛ یا گاه داستان کوتاه گفته می‌شود و گاه بلند، ولی در هر حال از نکته‌ای آموزنده خالی نیست. روشن است که چون هدف تعلیم و پیام‌رسانی است تکرار و تأکید لازمه آن است. اما با وجود بازگویی بعضی سرگذشتها، قرآن هیچ‌گاه به جزئیات حوادث - حتی نام افراد یا اماکن - که در غرض تربیتی‌اش مؤثر نیست نمی‌پردازد، ولی در تفسیرهای نقلی متأسفانه می‌بینیم پیرایه‌هایی زاید بر اصل قصه به آن پیوسته‌اند، به گونه‌ای که هدف اصلی از ذکرش گم شده است. در بحث از اسرائیلیات به این مطلب خواهیم پرداخت.

عبرت دومین واژه کلیدی این آیه است و بسیار شایان توجه.

«عبرت» اسمی است که مصدر آن «الْعَبَر» و «الْعُبُور» به معنی «بر آب بگذشتن» است.^{۱۰} این کاربرد اولی کلمه است که مناسب با زندگی ابتدایی انسان است، اما بعد در امور معنوی و فرهنگی به کار رفته، و راغب با دقتی که در توضیح لغات قرآن دارد، به آن تصریح کرده:

«الإعتبار والعبرة: آن حالتی است که در آن از شناخت آنچه مشاهده می‌شود، به آنچه دیده نمی‌شود برسیم»^{۱۱}. به بیان دیگر: عبور و گذر از ظاهر حوادث به ژرفا و علت رویداد آن. ناگفته نماند که یک معنی «العبر» «به تفکر کتاب خواندن» است، به این مناسبت که خواننده در خودش فرو رفته ژرف‌اندیشی می‌کند.^{۱۲}

قرآن با انتخاب کلمه «عبرت» ما را به تأمل و ژرف‌اندیشی در داستانهای واقعی‌اش فرا می‌خواند، تا از ظاهر حوادث گذشته و علت هلاک اقوام نابود شده را بیاییم و از سنتهای جاری الهی در ترقی یا نابودی ملل آگاه شویم.

با وجود تأثیری که نقل این قصص در بسیاری از شنوندگان داشته، اما برخی منکران کافرپیشه که از آوردن همانند آیات درمانده بودند، برای منصرف کردن مردم از شنیدن سخن خدا به نقل افسانه‌های جاهلی و اساطیر می‌پرداختند، که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده، سخنشان را «لَهُوَ الْحَدِيثُ» یعنی سخن سرگرم‌کننده و غفلت‌آور خواننده است.^{۱۳}

لُبّ این واژه در سخن خدا فقط به صورت جمع و در ۱۶ آیه به صورت «اولی / اولوا الألباب» به کار رفته^{۱۴}، و در اصل به معنی «مغز» - مانند مغز گردکان^{۱۵} - می‌باشد، و بعد در انسان به معنی «عقل خالص از آلودگیها، خرد تزکیه شده»^{۱۶} استعمال شده. راغب اصفهانی با توجه به این معنی نتیجه می‌گیرد که بنابر این «لُبّ» عقل است، ولی هر عقلی لُبّ نیست. بدین جهت خداوند فهم احکامی را که جز خردهای ناب و تزکیه شده آن را درک نمی‌کند، وابسته به اولوا الألباب کرده است، مانند این آیه: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ»^{۱۷} (بقره / ۲۶۹). پس می‌توانیم بگوییم «اولوا الألباب» دارندگان خردهای ناب پالوده و مغزهای سالم نیالوده هستند که عبرت و ژرف‌اندیشی، درک حقایق و پندگیری بهره‌آنان است، بر خلاف ظاهرینان که از رویدادهای ژرف‌کاوی می‌گذرند و اصولاً اهل تفکر و تعمق نیستند.

اخبار غیبی در دنباله آیه خداوند افترا و دروغ‌پردازی را از داستان حضرت یوسف - و بلکه همه قصه‌ها و اخبار قرآن - نفی می‌کند، و می‌فرماید که این قصه‌های راستین تصدیق داستانهای اثباتی است که در تورات و انجیل آمده، و در واقع تصحیح آن قصص است که با خرافه‌ها یا نسبتهای ناشایست به رسولان الهی در کتب عهدین نقل شده است، و خود یکی از ادله و حیانی بودن قرآن است، چنانکه در همین سوره پس از پایان سرگذشت حضرت یوسف می‌فرماید: «این از اخبار غیبی است که به تو وحی می‌کنیم، و تو [ای پیامبر] آن‌گاه که

کارشان را هماهنگ و عزمشان را جزم کردند و نیرنگ پیشه کردند، نزد آنان نبودى... و تو از ایشان برای آن [رسالت] مزدى نمى طلبى، آن نیست مگر پندآموزى برای جهانیان».^{۱۸} و بعد از حادثه طوفان نوح و غرق کافران و نجات گرویدگان مى فرماید: «این از اخبار غیبی است که بر تو وحى مى کنیم، نه تو و نه قومت پیش از این آنها را نمى دانستید، پس شکیبایی پیشه کن که نیک سرانجامی از آن پرهیزگاران است».^{۱۹}

چنانکه مى بینیم قرآن به صورت بیننده حاضر در صحنه، این رویدادها را نقل مى کند و آشکارا مى فرماید که از علم حضوری پیامبر اکرم و قومش پنهان بوده و از اخبار غیبی است که به او وحى شده است، و دلیلی بر صحت دعوت و رسالتش مى باشد.

خلاصه مزایای قصه‌ها

بنابر آنچه گفتیم مزیتها و فواید قصه‌های قرآن را به شرح زیر مى توان خلاصه کرد:

- ۱- قصه‌ها همه واقعیت دارد و اخبار از حوادثی است که در طول تاریخ روی داده است.
- ۲- بیان هنرمندانه قرآن آنها را خواندنی کرده، و چون حقیقت دارد تأثیرش در خواننده بیش از داستانهای تخیلی است.
- ۳- این سرگذشتها سُنن الهی را درباره جوامع بشری نشان مى دهد تا مایه عبرت باشد. در توضیح سنتها گوئیم:

در بینش قرآنی جهان زنده و بیناست، و همچنان که کشت دانه‌ای به تناسب بذر ثمر مى دهد، گفتار و رفتار ما هم در جامعه بازتاب دارد، و چنان نیست که مفقود و نابود شود، بلکه آثارش به ما و اجتماع ما بر مى گردد. بازتاب این آثار بر طبق قانون و روشی است که در تعبیر قرآنی و بینش توحیدی «سُنَّةُ اللَّهِ» خوانده شده. این سنتها که براساس حکمت و عدالت می باشد تغییرناپذیر و همگانی است و در بین همه اقوام و ملل و کشورها، همیشه باقی و جاری است.^{۲۰} به این جهت در قصه‌ها نقل شده تا سبب آگاهی و پندپذیری آیندگان از سرنوشت گذشتگان شود.^{۲۱}

- ۴- هدف اصلی نقل قصه‌ها همان هدف کلی قرآن یعنی هدایت و تربیت انسان است از نظر زندگی فردی و جمعی. مطالعه سرگذشتها نشان مى دهد که رویدادهایش به زمان و مکان خاصی منحصر نیست، بلکه جهانی و جاودانی است، و برای تنبیه و تنبّه همه

انسانهاست و همواره خواندنی.

۵- ارزش علمی و اهمیت قصه‌های قرآن آن‌گاه بیشتر معلوم می‌شود که آنها را با آنچه در تورات و انجیل آمده مقایسه کنیم. در این سنجش آشکارا می‌بینیم قرآن خرافات را از آنها زدوده، ساحت قدس پیامبران را از نسبت‌های ناروا پاک شمرده، به تصحیح منقولات کتب تحریف شده پرداخته است. و حیانی بودن قرآن در گزارش و توضیح قصه‌ها نمایان است، و خود یکی از ابعاد اعجاز آن است.

۶- این قصه‌ها از اخبار غیبی است که بعضی از آنها را هیچ کس نمی‌دانسته و خداوند به وسیله وحی، پیامبر اسلام را از آنها مطلع گردانده، مانند داستان ذوالقرنین، اصحاب کهف، دیدار حضرت موسی و خضر و گفت‌وگویشان، اصحاب رس و اصحاب اخدود، که شرح آنها در کتب تفسیر ذکر شده است و برخی از آنها جزء متنهای برگزیده در این کتاب آمده است.

۷- به سبب این مزیت - یعنی خبرهای غیبی قصه‌ها - قرآن‌پژوهان و مفسران، یکی از موارد اعجاز قرآن را قصص آن دانسته‌اند؛ زیرا تا پیش از نزول قرآن سرگذشت بعضی پیامبران و تاریخ اقوام گذشته - مخصوصاً برای اعراب - شناخته نبوده است.

اسرائیلیات

صفحه تیره تفسیرها

مقدمه سخن خداوند نور است و روشنگر اندیشه و دل، بدیهی است که تفسیر چنین سخنی نیز درخشان و درفشان باشد، اما دریغ! که چون هر پدیده پاک خدایی در ذهن و زبان مردم آلوده و تیره می‌شود، و این آلودگی‌گاه به حدی است که «گر تو بینی شناسیش باز». قرآن کریم که فرق گذارنده حق و باطل - یعنی فرقان -^{۲۲} و یادآور حق و حقیقت - یعنی ذکر^{۲۳} - است از مقام علم الهی فرود آمده تا در آیاتش حکمت خلقت عالم و آدم را بیان کند، و ما را با قانونهای آفرینش (سنة الله) آشنا گرداند، و صراط مستقیمی که به سعادت ما و یینجامد نشان دهد. کتاب تدبیر^{۲۴} و تعقل است و عبرت و عبادت^{۲۵}، عبادت آفریدگار یکتا و

مقدمه □ بیست و پنج

آزادی از همه اسارتها: اسارتهای ساخته خود و جامعه بی خدا، یا بندگی و دلبستگی به اشیاء
فریبا و گذرا. ۲۶

چنین کتابی راهنما و بی همتا در تفسیرهای روایی و نقلی، تا آن حد از روایات ضعیف،
داستانهای برساخته یهودیان یا مسیحیان تازه مسلمان انباشته شده، که خواننده بی خبر را به
قرآن و اسلام بدبین و بی اعتقاد می گرداند، تا در نتیجه تنها کتاب تحریف ناشده آسمانی را -
همچون تورات و انجیل - محرف پندارد. اما در عصر ما گروهی نوگرایا غرب آشنا به قیاس آن
آخبار دروغین، معجزات ۲۷ را - که آیتی از قدرت خدا و دلیل درستی دعوت و راستی بعثت
پیامبران است - نیز از قبیل مجعولات می شمارند یا در پی تأویل آنها بر می آیند، چون میزان
پذیرش هر چیز را خرد خردبین و فهم محدود خود می دانند، و از یاد برده اند که هر دانشی
روشی خاص برای تحقیق دارد و باید به همان روش در آن پژوهش شود تا کار علمی باشد.
نخستین تفسیر دانان تفسیر که بیان مراد خدای تعالی از آیات قرآن است شریف ترین
دانش دینی است؛ زیرا اصول اعتقادی و احکام عبادی و آداب اجتماعی و اخلاقی اسلام
همه باید از سخن خدا استنباط شود، و تفسیر روشنگر آنهاست. طبیعی است نخستین کسی
که به شرح آیات مجمل و توضیح متشابهات و احکام قرآن پرداخت پیامبر اکرم ﷺ بود، که
خود آیات را بر مردم تلاوت می کرد و پاسخ پرسشها را شفاهی می داد. پس از آن حضرت
تنی چند از اصحاب که بیشتر حضورش را درک کرده بودند و به ثبت و ضبط آیات اهتمام
داشتند، به تفسیردانی نامبردار شدند. رشید الدین میبدی در پایان جلد دهم تفسیرش این
موضوع را چنین بیان می کند:

«بدان که اصحاب رسول ﷺ، ایشان که در تفسیر قرآن سخن گفته اند معروف چهار کس اند: علی
بن ابی طالب علیّه السلام و ابن عباس و ابن مسعود و ابن بن کعب. و علی در علم تفسیر از همه فائق و
فاضل تر بود، پس ابن عباس. قال ابن عباس: علیّ علیّه السلام علّمه رسول الله ﷺ، و رسول الله علّمه الله
عزّو جلّ. فَعَلِمَ النَّبِيُّ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ و عِلْمُ عَلِيٍّ مِنْ عِلْمِ النَّبِيِّ ﷺ، و عِلْمِي مِنْ عِلْمِ عَلِيٍّ. و ما عِلْمِي و
عِلْمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَيَعْلَمُ عَلِيٌّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي بَحْرٍ». ۲۸

تفسیر شفاهی و نقلی تا اواخر سده اول روایاتی که در تفسیر برخی آیات از رسول
خدا ﷺ شنیده شده بود، به طور شفاهی از اصحاب برای تابعین نقل می شد، یا به عنوان
بابی در کتب حدیث می آمد، یعنی جزء حدیث بود نه کتابی مستقل. ولی از اواخر سده دوم
به صورت علمی خاص درآمد و از شرح بعضی آیات به تفسیر تمام قرآن به ترتیب سوره ها

تبدیل شد.^{۲۹} این گونه تفسیرها را که به نقل روایات تفسیری صحابه و تابعین و شأن نزول آیات و شرح قصص می پرداخت و تا قرن‌ها بعد به همین روش ادامه داشت، تفسیر نقلی یا مأثور نامند.

«می توان گفت تا اواخر قرن چهارم تفسیر مورد پسند همه فرق اسلامی - اعم از شیعه و سنی - تفسیر به مأثور است. نمونه برجسته آن در میان مفسران شیعه تفسیر عیاشی و در میان اهل سنت تفسیر ابن جریر طبری است که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم پدید آمد.»^{۳۰} با این تفاوت که در تفسیرهای شیعی، اسرائیلیات در حداقل دیده می شود، یا نقل و تضعیف می شود؛ زیرا اصول بنیادین اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ و علمای شیعه در تفسیر قرآن عبارت است از:

۱ - تنزیه و دور شمردن آفریدگار متعال از جسم بودن و ماندگی به چیزی.
۲ - پاک دانستن و بری شمردن همه رسولان الهی از گناه کردن، ولی ترک اولی ممکن است از آنان سرزند.

۳ - تنزیه قرآن از تحریف و سالم ماندنش از هر دگرگونی و کاهش یا افزایش.
۴ - نفی غلو نسبت به پیامبر معظم اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام و سایر ائمه شیعه، و لعن غالیان.

۵ - محال شمردن رؤیت خدای سبحان به دیدگان حتی در قیامت، و تفسیر صحیح لقاء الله که در قرآن آمده.

۶ - نفی جبر و تفویض و اثبات «أمر بین الأمرین» که راه سومی است میان آن دو.
۷ - تفسیر قرآن و تأویل آیات متشابه با استفاده از آیات دیگر (یعنی تفسیر قرآن به کمک خود قرآن) که روش پیامبر اکرم و حضرت علی و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است.^{۳۱}

تفسیر اجتهادی با پیشرفت دانشهای اسلامی رفته رفته تفسیر کلام الله هم دانشی مستقل شد، و راه اجتهاد (کوشش علمی) و اظهار نظر در تفسیر باز شد و تفسیر اجتهادی - که گاه تفسیر عقلی هم نامیده شده - پدید آمد. در تفسیر اجتهادی مفسر به عقل و نظر بیش از منقولات اعتماد می کند. در این روش مفسر بر طبق میزانهای معلوم در حدیث شناسی به ارزیابی و نقد اخبار و اقوال دیگر مفسران می پردازد، و آن را می پذیرد که مخالف مسلّمات عقلی و بدیهی یا قرآن و ضروریات دینی نباشد. البته باید تفسیر به رأی نکند، یعنی آیه را برابر رأی شخصی خود تفسیر ننماید^{۳۲} و به تعبیر دیگر در پیشگاه قرآن چون دانش آموزی از

کلام الله استفاده کند و معرفت اندوزد، نه استادی که بی توجه به آنچه از دیگر آیات یا احادیث تفسیری بر می آید، آیه را مطابق رأی و مذهب خود توجیه و تفسیر کند.

علوم نقلی لازم به یادآوری است که بعضی دانشها ماهیّتاً نقلی است، مانند معنی لغات، تاریخ ادبیات یا تاریخ سیاسی ملتها. از همین گونه است اخبار دینی که از پیامبران و جانشینان آنها نقل شده. دخالت عقل در نقل - که مایه اطمینان می شود - به این صورت است که روش و قواعدی برای پذیرش و تصدیق منقولات وضع کنند که در علم الحديث، درایه الحديث و اصول فقه از آن بحث می شود و مجال ذکرش نیست.^{۳۳} همین قدر گویم از ویژگی خبر درست: راست گویی و موثق بودن روایتگران، مخالف نبودن خبر با بدیهیات و اصول مسلم عقلی یا قرآن و ضروریات اسلامی است، و ایمان قوی راوی که مانع غرض ورزی و تعصب مذهبی و دخالت دادن هدفهای فاسد شخصی شود. متأسفانه نبودن این شرایط - مخصوصاً شرط اخیر - سبب بی مبالائی در نقل حدیث و بلکه جعل اخبار مذهبی و ورود اسرائیلیات به ساحت قدس تفسیر قرآن شده است و اینک توضیح آن:

اسرائیلیات اسرائیل لقب حضرت یعقوب است که یهود منسوب به وی هستند. کلمه عبری است و معنی آن «غلبه بر خدا» است، که بر مبنای اسطوره گشتی گرفتن یعقوب با خدا در یک شب و غلبه بر او در صبحگاه درست شده است!^{۳۴}

اسرائیلیات در اصطلاح علمای حدیث و تفسیر معنی گسترده تری از قصه های یهود و اخبار ساختگی آنها پیدا کرده، و به اساطیری که در تفسیر و حدیث و تاریخ از منابع یهودی یا نصرانی وارد شده اطلاق می گردد. بعضی تمام اخبار جعلی و بی مأخذ را که دشمنان اسلام برای فاسد کردن عقاید مسلمین ساخته و در کتابهای حدیث و تفسیر و تاریخ وارد کرده اند - از باب «تغلیب» - از اسرائیلیات شمرده اند، چون رنگ یهودی در آنها بیشتر بوده است.^{۳۵}

ویژگی اسرائیلیات اسرائیلیات علاوه بر اینکه سخنان بی پایه و خرافه، و ساخته یهودیان یا نصرانیان است، این خصوصیت را دارد که در آمیخته با گزافه گویی، بزرگ نمایی، اغراق و بلکه غلو (توصیفی که بر حسب عقل و عادت هر دو محال است) می باشد، به صورتی که نه تنها خلاف امور عادی و جریان طبیعی دنیا است، بلکه در ظرف عقلها هم نمی گنجد و تنها مقبول نظر عوام یا افراد زودباور می تواند باشد که سرگرمشان کند، و این خود عاملی برای رواج آنها بین عامه و ورودش در کتب تفسیر شد.^{۳۶}

به مناسبت بحث یادآور می شود: در هر زمان روحیه و گرایش خاص بر افکار و باورهای

عمومی حاکم است که جوّ فرهنگی زمانه را به وجود می آورد. مثلاً در دوران باستان در نقل وقایع بیشتر کارهای عادی یا رویدادهای معمولی را هم خارق العاده جلوه می دادند، و با بزرگ نمایی و اغراق حسّ شگفتی و حیرت شنونده یا بیننده را بر می انگيختند تا توجهش را جلب کنند. بر خلاف تفکر عمومی زمان ما که اگر امری خارق العاده روی دهد، یا پدیده ای نادر و شگرف هم به وجود آید، از در انکار در می آییم و اگر بتوانیم توجیه مادی و تجربی برای آن بیاییم قاطعانه مردودش می شمريم، در حالی که بسا پیشامدها و «خلاف آمد عادت» ها که عللی نهانی دارد و دانش بشر به آن نرسیده، یا علت هایی غیر مادی و فراحسی^{۳۷} دارد که در جای خود ثابت شده و دیگر جای تردید در آنها نیست. باری، غرض اشاره به تفکر عمومی مردم عصر جاهلیت در کشورهای جهان بود که خود عاملی برای رواج و گسترش اخبار جعلی و اساطیر و افسانه ها شده بود. اما ابن خلدون (م. ۸۰۸) پیدایش اسرائیلیات را در صدر اسلام با بینش جامعه شناسی چنین توجیه و تحلیل کرده است:

عربها که کتاب و دانشی نداشتند چون خواستند درباره آغاز آفرینش و اسرار هستی و آنچه [چون نماز و روزه] جنبه عملی یا ارزش عقیدتی ندارد کسب اطلاع کنند، به اهل کتاب - که بیشتر یهودی و اهل یمیر [هاماوران] بودند - مراجعه می کردند. اینان چون اسلام آوردند و مرتبتی یافتند بر همان عقاید پیشین خود - که راجع به ابتدای خلقت و پیشگوئیا و ملاحم بود - باقی ماندند، مانند کعب الأخبار و وهب بن منبه و عبدالله بن سلام. مفسران آنچه از آنان در این باب یا در شرح و بسط قصه های قرآن می شنیدند در تفاسیر وارد می کردند، و چون بعد عملی نداشت در پذیرش آن سهل انگاری کردند. در نتیجه رفته رفته کتابهای تفسیر از این مقولات بر ساخته یهود انبیاشته شد و از سلف به خلف رسید.^{۳۸}

اسباب ورود اسرائیلیات در تفاسیر هر چند تحلیل جامعه شناسی ابن خلدون قابل قبول است، اما مطالعه تاریخ سیاسی و اوضاع فرهنگی سده اول هجری نشان می دهد این پدیده شوم دینی - فرهنگی علل مهمتر و گونه گونی دارد که محققان پس از فحص و کاوش به آنها رسیده اند،^{۳۹} و ما فهرست وار بر می شمريم:

۱ - سابقه دیرینه فرهنگی و اطلاعات تاریخی یهود و تفوق دانش آنان بر عرب جاهلی، که ابن خلدون هم یاد آور شده بود.

۲ - همسایگی و ارتباط مسلمین با یهود و نصارای جزیره العرب به ویژه با یهود در مدینه.

۳ - اختصار و ایجاز قصص انبیا در قرآن، و تنها نقل آنچه با هدف تربیتی اش ارتباط دارد،

مقدمه □ بیست و نه

و علاقه طبیعی مسلمانان به آگاهی مشروح از قصه‌ها و سرگذشتها، که انگیزه مراجعه و سؤال از اهل کتاب می‌شد، مخصوصاً که بعضی آیات برای اطمینان بخشیدن به وحیانی بودن قرآن و صحت اخبارش، ارجاع به اهل کتاب و پرسش از آنها را در مواردی خاص اذن داده بود.^{۴۰}

۴- گرایش عوام به داستان و شنیدن حوادث شگفت‌آور که بر قوه تخیل آدمی اثر دارد نه بر تعقل، و مایه سرگرمی است.

۵- راویان اخبار معمولاً گزارشگر و نقال بودند نه پژوهشگر و نقاد، از این رو اسناد روایات تفسیری را حذف کردند و در نقل روایات سهل‌انگاری نمودند، در نتیجه صحیح و سقیم درهم آمیخته و بازگو شد.^{۴۱}

۶- رخصت دادن بعضی حکام - مخصوصاً معاویه - به قصه‌گویان که در مسجد و دیگر مجامع به نقالی و داستان‌گویی پردازند. بدین‌گونه از نیمه دوم سده اول قصه‌گویی و نقالی در بعضی شهرهای اسلامی متداول شد، و سیره‌نویسان و مورخان هم آنها را در کتب تفسیر و حدیث و تاریخ نقل کردند.^{۴۲} در نتیجه سیمای زیبای قرآن در تفاسیر زشت و هولناک نمایان شد.

نکته از آنچه گفتیم خواننده در می‌یابد که متن قرآن - یعنی کلام الله - غیر از تفسیرهای آن است که با ذوق، علائق مذهبی و منقولات یا اطلاعات مفسر درآمیخته است و طبعاً با مبالغه، جانبداری از مذهب خاص یا ضعف استدلال در تفسیر آیه همراه می‌باشد، در حالی که وحی الهی حق محض و حکمت و واقعیات عالم می‌باشد، بدون هیچ مبالغه و گزافه‌ای؛ چنان‌که اکتشافات جدید در دانشهای طبیعی بسیاری از اشارات علمی قرآن را تفسیر کرده است که شرحش در تفسیرهای سده اخیر ذیل آیات مربوط آمده است.

تفسیر نویسی به روش سنتی با فراز و فرودی چند، سالها ادامه داشت، و بازتاب اوضاع فرهنگی و مذهبی عصر خود و دانش و بینش مفسر بود، تا نگاه نو و دیدگاهی تازه در آن به وجود آمد که به اختصار بیان می‌شود.

نگرش جدید در تفسیر نویسی تفسیر در سیر کمالی خود رو به ترقی داشت تا در سده چهاردهم هجری همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی - که نتیجه ارتباط کشورهای اسلامی با غرب و پیشرفتهای صنعتی و علمی آنها بود - نگاه مفسران به قرآن از منظری نو شد و تفسیر نویسی منهجی تازه و واقع‌گرا یافت. این بینش پس از پی بردن مصلحان اجتماعی و

روشنفکران دیندار به نابسامانی وضع دینی و علمی مسلمین بود، که پاسخ‌گوی نیازهای عصر جدید نبود. بدین سبب نهضت‌های اصلاح‌طلبانه به صورتهای گوناگون در کشورهای اسلامی از مصر و الجزایر تا ایران و هند سر برآورد. «خصوصیت اصلی نهضت‌های بیداری... در این بوده است که اسلام را نه یک عقیده مهجور و ایمان قلبی، بلکه یک نظام کامل عیار دینی و دنیوی و اخلاقی و سیاسی و عبادی و اجتماعی می‌دیده‌اند، یعنی یک فرهنگ بالنده نه یک دین را که در حاشیه اجتماع به راه خود برود».^{۴۳} این فرزنانگان مصلح متوجه شدند «دین را که توانمندترین کانون تحول و ترقی و اعتلای علمی و اخلاقی دیرنشان بود، دستخوش زیون‌اندیشیها و بی‌عملیهای خویش ساخته‌اند، از همین روی در عین اعتراض به بیگانگی به انتقاد از خود پرداختند».^{۴۴}

برای چاره‌جویی، آنچه این مصلحان همگی در آن اتفاق نظر داشتند بازگشت به قرآن بود، و یافتن درمان درد کشورهای اسلامی از کتابی که مورد قبول همه مسلمین است، و اگر تفسیر صحیح و استنباط درستی از این نامه هدایت بشود - چنان که خود رهنمون داده - می‌تواند مانند عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحول بنیادین در منش و فرهنگ و رفتار مسلمانان به وجود آورد، و آنان را - برخلاف تبلیغات غرب‌زدگان - به شرط عمل به احکام و تعلیماتش به رشد و تعالی و زندگی سالم دنیوی هم برساند.

پس از پیدایش این اندیشه و نظر، تفسیرهایی که نوشته می‌شد تفسیر اجتهادی بود نه نقلی، علاوه بر این به جای بحث‌های گسترده ادبی (دربارۀ لغات یا نحو و بلاغت آیات) و تفصیل قصص انبیا - که تفسیرهای نقلی پیشینیان آکنده از آن بود - به مباحث اصلی قرآن توجه بیشتر شد، به این جهت اصول عقاید اسلامی - مخصوصاً جهان‌بینی توحیدی و صفات الهی - و وحیانی بودن قرآن، و نیز مسائل اجتماعی و سیاسی و حقوقی و بحث‌های عقلی و پاسخ به شبهات مطرح شد و مفسران دانشمند نشان دادند این کتاب هدایت‌جویانگی مسائل زندگی فردی و اجتماعی و مشکلات انسان در هر زمان می‌باشد. شمار این گونه تفسیرها به عربی و فارسی در دو قرن اخیر زیاد است، و در سایر کشورهای اسلامی هم نمونه‌های چندی دارد که مورد توجه محققان و شرق‌شناسان قرار گرفته است.^{۴۵}